

درباره «شیما» خواهر پیامبر(ص) چه می‌دانید؟

هفتمین کتاب از مجموعه زنان اسوه با نام «دختران پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله)» به معرفی «زینب، رقیه و ام‌الکلتوم از دختران و شیما خواهر رضاعی پیامبر اکرم» می‌پردازد ...



درباره #171& شیما؛ خواهر پیامبر(ص) چه می‌دانید؟ داستان جالب اسارت و آزادی مجموعه کتاب‌های #171& زنان اسوه؛ در بردارنده شرح زندگی برخی از زنان تاثیرگذار در تاریخ اسلام به همت بعثه مقام معظم رهبری تهیه و از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مشعر منتشر شد. به گزارش خبرآنلاین، مجموعه کتاب‌های #171& زنان اسوه؛ با عنوان‌هایی چون: #171& حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ #171&، فاطمه بنت الحسن و امّ فروه #171&؛ ام حبیبه #171&؛ دختران پیامبر؛ و #171&؛ مادران رضاعی پیامبر؛ به همت گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج و از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مشعر در قطع پالتویی منتشر شد.

#171& امّ حبیبه همسر گرامی رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله)؛ نام ششمین عنوان از مجموعه #171& زنان اسوه؛ نوشته فتحیه فتاحی زاده عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء(سلام‌الله‌علیها) است که به معرفی ام حبیبه یکی از همسران رسول خدا و دختر ابوسفیان بن حرب از دشمنان سرسخت آن حضرت می‌پردازد؛ نام و نسب، اسلام و هجرت به حبشه، ازدواج با پیامبر اکرم، هجرت به مدینه، ابوسفیان در خانه ام حبیبه، ام حبیبه و ماجرای قتل عثمان، وفات و نقش ام حبیبه در روایت حدیث از مطالب این اثر است که در مقدمه آن می‌خوانیم: #171&؛ ام حبیبه از سابقان در اسلام و از مهاجران به حبشه بود؛ وی در شرایط بسیار سختی به اسلام گروید و در کنار پیروان رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) قرار گرفت.

هفتمین کتاب از مجموعه زنان اسوه با نام #171& دختران پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله)؛ به معرفی #171& زینب، رقیه و ام‌الکلتوم از دختران و شیما خواهر رضاعی پیامبر اکرم؛ می‌پردازد که از سوی فتحیه فتاحی زاده عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء(سلام‌الله‌علیها) منتشر شده است؛ در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: #171&؛ تاریخ صدر اسلام چنان پر اهمیت است که همواره محققان اسلامی و غیر اسلامی درباره آن تحقیق و پژوهش کرده‌اند، اما از آنجا که برخی از این گزارش‌های تاریخی با هم تناقض دارند، بازنگری تاریخ اسلام می‌تواند نکات غیرواقعی تاریخ را برنمایاند و راه را برای شناخت واقعیت هموار سازد.

#171& حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ عنوان نهمین شماره از کتاب زنان اسوه نوشته حجت‌الاسلام قاسم خانجانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است که سعی در معرفی فرزند نبی اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) با تکیه بر منابع اهل سنت دارد و در 108 صفحه، شمارگان 5 هزار نسخه به قیمت یکهزار تومان منتشر شده است. آشنایی با زندگی شخصی و خانوادگی فاطمه(سلام‌الله‌علیها)، جایگاه حضرت فاطمه، ازدواج حضرت فاطمه، حضرت فاطمه در عرصه سیاست و اجتماع، جلوه‌هایی از شخصیت حضرت فاطمه، حضرت فاطمه پس از رسول خدا و آموزه‌های حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها) از مهم‌ترین مطالبی است که در این اثر به آن‌ها پرداخته شده است.

سیزدهمین مجموعه #171& زنان اسوه؛ نیز در دو فصل مجزا به معرفی فاطمه بنت الحسن مادر گرامی امام باقر(علیه‌السلام) و امّ فروه مادر گرامی امام صادق(علیه‌السلام) اختصاص دارد و از سوی بهاء‌الدین قهرمانی‌نژاد شائق به رشته تحریر در آمده و در 78 صفحه، شمارگان پنج هزار نسخه و به قیمت هفتصد تومان منتشر شده است. مروری بر خاندان فاطمه بنت الحسن، ازدواج الهی، تولد امام باقر(علیه‌السلام)، دوران محنت، حضور مجدد در مدینه، فضائل و کرامات فاطمه بنت الحسن و در سوگ یار از مطالب فصل اول و تاج فضیلت، سابقه این نام در عرب، خاندان، تولد ام فروه، مقدمات ازدواج ام فروه با امام باقر(علیه‌السلام)، وصلتی آسمانی، تحمل سختی‌ها، جایگاه ام فروه و درگذشت او از مطالب فصل دوم اثر است.

در بخشی از این کتاب #171& دختران پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله)؛ در خصوص خواهر رضاعی حضرت می‌خوانیم:

#171&؛ زمانی که رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم) متولد شد، در جست‌وجوی دایه برای این طفل، زنی به‌نام حلیمه را

یافتند که از قبیله بنی‌سعد بن بکر بود. با اجیر کردن حلیمه برای شیر دادن به محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ، او در جایگاه اصلیت‌ترین شخصیت دوران شیرخوارگی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) قرار گرفت و حدود دو سال به این امر مهم پرداخت. شوهر حلیمه، حارث بن عبدالعزی بن رفاعه بود و نسبش به بکر بن هوازن می‌رسید. برادر رضاعی آن حضرت، عبدالله و خواهرانش انیسه و شیما نام داشتند که این سه نفر از فرزندان حلیمه سعیدیه بودند. در مدت حضور با برکت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در قبیله بنی‌سعد، شیما به کمک مادرش از این نگیں بی‌نظیر آفرینش نگهداری می‌کرد...

جریان اسارت شیما

نقل است در پی اطلاع یافتن رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از استقرار قبیله هوازن به فرماندهی مالک بن عوف نصری، در منطقه «حُئین» که گروه بسیاری را نیز به همراه زنان و فرزندان آورده بود، ایشان دستور داد که لشکری بزرگ (دوازده هزار نفر) تجهیز شود و به سمت آنها حرکت کند. با رسیدن مسلمانان به منطقه و هجوم جنگجویان هوازن که در دره کمین کرده بودند، فضا بسیار سخت و ناگوار شد؛ به‌گونه‌ای که بیشتر مسلمانان از اطراف رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) پراکنده شدند و تنها نه یا ده نفر از بنی‌هاشم باقی ماندند که عبارتند از: علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، عباس بن عبدالمطلب، ابوسفیان بن حارث، نوفل بن حارث، ربیعة بن حارث، عتبه و معتب پسران ابولهب، فضل بن عباس، عبدالله بن زبیر بن عبدالمطلب و بنابر نقلی ایمن بن «ام ایمن» ولی سرانجام خداوند، پیامبر خود را پیروز کرد و او را با لشکرهایی از فرشتگان نیرومند ساخت. علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) نیز در پیکار با پرچمدار هوازن، او را به هلاکت رساند و این امر باعث ترس دشمنان اسلام شد. نتیجه این جنگ برای قبیله هوازن این بود که بسیاری از آنان کشته و افراد زیادی هم اسیر شدند که تعداد آنها به هزار تن می‌رسید. همچنین غنیمت‌های فراوانی به دست آمد که به‌جز آنچه ربوده شده بود، به دوازده هزار شتر می‌رسید.

در میان لشکر دشمن، مردی به نام «بجاء» بود. او که از قبیله بنی‌سعد بود، مرد مسلمانی را که به آن قبیله رفته بود، کشته، قطعه قطعه کرده و سپس جسدش را سوزانده بود. وقتی بجاء متوجه جرم سنگین خود شد، فرار کرد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به سپاهیان خود دستور داد با هر وسیله ممکن بجاء را دستگیر کنند. آنها نیز هنگام تعقیب دشمن، او را به همراه گروهی از قبیله‌اش دستگیر کردند.

در بین این اسیران، «شیما»، خواهر رضاعی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز دیده می‌شد. او وقتی دید مسلمانان آنها را با تندی و خشونت به‌سوی اردوگاه می‌برند، صدا زد: «ای مردم! قدری آرام‌تر! به خدا من خواهر رضاعی صاحب [و بزرگ] شما هستم».

ولی مسلمانان که او را نمی‌شناختند، سخنش را باور نکردند و آنها را با همان وضعیت نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بردند. هنگامی که به محضر آن حضرت رسیدند، شیما به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) عرض کرد: «با رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) ! من خواهر رضاعی شما هستم».

حضرت فرمود: «نشانه‌ای بر این ادعا داری؟». عرض کرد: «آری، روزی من شما را روی زانوی خود نشانده بودم و شما پشت مرا دندان گرفتی».

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سخنش را تصدیق کرد، برخاست و ردای خود را پهن کرد و شیما را بر آن نشانده و به او خوشامد گفت. در این هنگام چشمان شیما پر از اشک شد. سپس پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره پدر و مادر شیما سؤال کرد و او خبر داد که مدت‌ها پیش هر دو از دنیا رفته‌اند.

بعد از شنیدن این جواب رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: اگر بخواهی پیش ما بمانی، محبوب و مکرم خواهی بود و اگر دوست داشته باشی برگردی، می‌توانی بروی و نزد اقوام و خویشاوندان خود زندگی کنی.

شیما پیشنهاد دوم آن حضرت را پذیرفت. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز، چنانچه بنی‌سعد نقل می‌کنند، غلامی به نام

«مکحول» به همراه کنیزی به او داد که شیما آن دو را به ازدواج یکدیگر در آورد و همچنان نسل ایشان در این قبیله باقی است.

در نقلی آمده است که شیما با رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره اسیران سخن گفت و عرض کرد: «راستی که اینان خاله‌ها و خواهران تواند».

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز فرمود: «ما کان لی و لیّتی هاشمٍ فقد وهبتهُ لک»؛ «آنچه از آن من و بنی‌هاشم است را به تو بخشیدم».

بدین ترتیب مسلمانان نیز مانند رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) همه اسیرانی را که در بند داشتند، به شیما بخشیدند.